واکاوی ابعاد علمی استراتژی کلانی که در آن، صعود یک ملت به قله قدرت، مساوی با سقوط خودبه‌خودی رقیب است

دکترین قوی شدن؛ منطق ترازوی قدرت

گروه سیاسی

در تاریخ تحولات سیاسی و استراتژیک ملت‌ها، همواره خوانش‌های متفاوتی از میراث و اندیشه‌های رهبران بزرگ وجود داشته است. در بازخوانی دکترین رهبر شهید انقلاب، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، با یک منظومه فکری دقیق و چندبُعدی مواجه می‌شویم که شاه‌بیت آن در مفهوم کلیدی و راهبردی «قوی شدن» خلاصه می‌شود. در تحلیل این دکترین، یکی از بزرگ‌ترین خطاهای محاسباتی، تقلیل آن به گزاره «جنگ به هر قیمتی» است. واقعیت آن است که در اندیشه ایشان، جنگ اصالت ندارد، بلکه آنچه اصالت دارد، حفظ موجودیت، استقلال و ارتقای جایگاه ملت در معادلات جهانی است.

در برابر فشارهای نظام سلطه، همواره دو مسیر یا دو رویکرد کلان در اذهان عمومی و نخبگانی به چشم می‌خورد: رویکرد نخست معتقد است که «باید بجنگیم تا قوی شویم و از این طریق دشمن را شکست دهیم». اما رویکرد دوم که منطبق بر دکترین استراتژیک ایشان است، می‌گوید: «باید قوی شویم تا اساساً نیازی به جنگ نداشته باشیم و در صورت تحمیل هرگونه نبرد، چنان بازدارندگی ایجاد کرده باشیم که دشمن از اقدام خود پشیمان شود.» این مقاله به بررسی ابعاد، ریشه‌ها و پیامدهای این نگاه استراتژیک در عرصه روابط بین‌الملل می‌پردازد.

نبرد برای قدرت، یا قدرت برای مهار نبرد؟

برای درک تفاوت ظریف اما سرنوشت‌ساز میان این دو مسیر، باید به مفهوم «بازدارندگی» در ادبیات نظامی و سیاسی توجه کرد. جنگیدن برای قوی شدن، کشور را در یک چرخه فرسایشی از تنش‌های مداوم قرار می‌دهد که ممکن است پیش از رسیدن به نقطه مطلوبِ قدرت، منابع و زیرساخت‌های حیاتی آن را مستهلک کند. در مقابل، «قوی شدن برای نجنگیدن»، یک استراتژی درون‌زا و همه‌جانبه است.

در این دکترین، قدرت تنها به موشک و تجهیزات نظامی خلاصه نمی‌شود، بلکه شامل قدرت اقتصادی، انسجام اجتماعی، پیشرفت علمی و نفوذ فرهنگی است. وقتی کشوری از درون به یک دژ تسخیرناپذیر تبدیل شود، محاسبه هزینه‌وفایده برای دشمن تغییر می‌کند. در این حالت، دشمن پیش از شلیک هر گلوله‌ای، در ذهن خود شکست می‌خورد؛ چراکه می‌داند هرگونه اقدام نظامی، هزینه‌هایی به مراتب سنگین‌تر از دستاوردهایش به دنبال خواهد داشت. این همان نقطه‌ای است که اقتدار، جایگزین جنگ مستقیم می‌شود.

خون‌سرد و تغییرپارادایم: نقطه عطف استراتژیک

برای درک عملیاتی این دکترین، هیچ مثالی روشن‌تر از برهه حساس پس از شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی نیست. ترور یک مقام ارشد نظامی توسط یک دولت خارجی، در عرف بین‌الملل می‌توانست بهانه‌ای برای آغاز یک جنگ تمام‌عیار و ویرانگر باشد. اما واکنش و فرمان استراتژیک رهبر انقلاب در آن مقطع تاریخی بسیار معنادار بود: «ما باید قوی شویم.»

این فرمان، یک شعار احساسی نبود، بلکه یک دستورالعمل جامع برای مصون‌سازی کشور در برابر آسیب‌های آینده بود. پیام مستتر در این جمله این بود که: دشمن به این دلیل توانست سردار ما را ترور کند، ما را تحت‌بی‌سابقه‌ترین تحریم‌های اقتصادی قرار دهد و به انحای گوناگون در مسیر توسعه ما سنگ‌اندازی کند که ما هنوز در برخی مؤلفه‌ها به قله اقتدار نرسیده‌ایم.

اگر بخواهیم ماشین ترور، تحریم و آزار دشمن را برای همیشه متوقف کنیم، راهی جز ناباشت قدرت نداریم. نبرد ما با جبهه استکبار، زمانی به یک «پیروزی نهایی و بدون بازگشت» می‌انجامد که در اقتصاد، علم، امنیت و سیاست خارجی به قله قوت رسیده باشیم. در آن نقطه، تحریم‌ها اثر خود را از دست می‌دهند، مرزها نفوذناپذیر می‌شوند و ترور فیزیکی یا شخصیتی به یک اقدام بی‌اثر و خودویرانگر برای دشمن تبدیل خواهد شد.

منطق ترازوی قدرت در علم روابط بین‌الملل

دکترین «قوی شدن»، صرفاً یک ایده آرمان‌گرایانه یا یک مانیفست ایدئولوژیک محلی نیست؛ بلکه به شکلی شگفت‌انگیز با سخت‌ترین و واقع‌گرایانه‌ترین تئوری‌های دانش روابط بین‌الملل تطابق دارد.

در مکتب واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل، قدرت به مثابه یک «ترازو» یا یک سیستم ظروف مرتبط عمل می‌کند. نظام بین‌الملل یک محیط آنارشیک است که در آن، بقای هر بازیگر به میزان قدرتی که در اختیار دارد بستگی دارد. بر اساس این نظریه، در یک سیستم رقابتی، امکان ندارد یک کشور قوی شود، بدون آنکه قدرت نسبی رقیب یا دشمنش کاهش نیابد. این همان چیزی است که نظریه‌پردازان از آن به عنوان بازی با حاصل جمع صفر یاد می‌کنند.

چین و آمریکا: یک نمونه موردی

برای روشن‌تر شدن این مفهوم، می‌توان به رقابت استراتژیک پکن و واشنگتن اشاره کرد. قوی شدن چین در دهه‌های اخیر، مستقیماً به معنای ضعیف شدن هژمونی آمریکا بوده است. چین با جنگ نظامی به مصاف آمریکا نرفت، بلکه با تمرکز بر «دکترین قوی شدن» در حوزه‌های اقتصاد، تکنولوژی و نظامی، کفه ترازوی قدرت را به نفع خود سنگین کرد. نتیجه این شد که آمریکا به طور خودکار در موضع انفعال و ضعف قرار گرفت.

ایران نیز در سطح منطقه‌ای و در تقابل با هژمونی جهانی غرب، دقیقاً در همین مدار حرکت می‌کند. دکترین رهبر انقلاب مبتنی بر این اصل مسلم علمی و تجربی بود که: شما نیازی ندارید تمام انرژی خود را صرف درگیری‌های مستقیم و فرسایشی برای نابودی دشمن کنید؛ بلکه کافی است خودتان را به صورت تصاعدی قدرتمند کنید. با افزایش وزن شما در این ترازو، کفه دشمن خود به خود بالا رفته و از وزن و اعتبار آن کاسته می‌شود.

دکترین مهار؛ دوراهی مرگبار برای دشمن

وقتی کشوری در مسیر قدرت گیری قرار می‌گیرد، دشمن بیکار نمی‌نشیند. در اینجا تئوری «تله توکیدید» در روابط بین‌الملل خودنمایی می‌کند؛ جایی که یک قدرتِ در حال ظهور، قدرت مسلطِ رو به افول را دچار هراس می‌کند. در دکترین رهبر انقلاب، این مرحله نیز با دقت پیش‌بینی شده است.

زمانی که شما با سرعت در حال قوی شدن هستید، دشمن برای متوقف کردن این روند و جلوگیری از ضعف محتوم خود، ممکن است دست به تحرکات جنون‌آمیزی بزند و حتی جنگی را به راه بیندازد. در اینجا پاسخ دکترین بسیار روشن است:

شما باید با حداکثر قدرت و قاطعیت جواب او را بدهید (تا بازدارندگی تثبیت شود)، اما نباید در تله درگیری مداوم گرفتار شوید؛ بلکه باید روند قدرت گیری تان را با جدیت و تمرکز بیشتری دنبال کنید.

در این ساختار تحلیلی، دشمن در برابر استراتژی «قوی شدن» شما، در یک دوراهی مرگبار و بن‌بست استراتژیک قرار می‌گیرد:

۱. انفعال و تماشای قدرت گیری شما: در این حالت، دشمن دست به اقدام نظامی نمی‌زند، اما با قوی‌تر شدن روزافزون شما، او از اریکه قدرت و هژمونی خود به طور طبیعی پایین می‌آید و بدون شلیک یک گلوله، مغلوب هژمونی جدید شما می‌شود.

۲. درگیری و آغاز جنگ: دشمن برای توقف شما وارد یک درگیری سخت می‌شود. در این حالت، به دلیل بازدارندگی و قدرتی که پیش‌تر انباشته‌اید، او با یک سد محکم برخورد کرده و ضربه متقابلی دریافت می‌کند که روند فروپاشی او را تسریع می‌بخشد.

در هر دو سناریو، پایان قدرتِ ظالمانه دشمن، امری «محتوم» و غیرقابل اجتناب است. تفاوت تنها در سرعت و نحوه این فروپاشی است.

نتیجه‌گیری: فتح قله‌ها، پایان کار است

در نهایت، بازخوانی دکترین رهبر شهید انقلاب در خصوص «قوی شدن»، نشان دهنده یک بلوغ استراتژیک در سطح حاکمیت ملی است. این دکترین به ما می‌آموزد که احساسات و شور حماسی، اگرچه موتور محرک یک ملت برای ایستادگی است، اما بدون عقلانیت استراتژیک و حرکت در مسیر توسعه زیرساخت‌های قدرت، به پیروزی نهایی منجر نخواهد شد.

جنگیدن به هر قیمتی، هنر نیست؛ بلکه هنر واقعی در حکمرانی آن است که کشوری چنان قدرتمند شود که سایه جنگ و تهدید برای همیشه از سر ملت آن محو گردد. ترورها، تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی، تنها نشانه‌هایی از تلاش مذبوحانه دشمن برای برهم زدن ترازویی است که هر روز بیشتر به نفع ملت ما سنگینی می‌کند.

رسیدن به قله قوت، نیازمند صبر استراتژیک، کارشبانه‌روزی، اتحاد ملی و تمرکز بر مؤلفه‌های واقعی قدرت (اقتصاد درون‌زا، فناوری‌های لبه دانش، و دیپلماسی هوشمندانه) است. همان طور که در منطق روابط بین‌الملل ثابت شده است، قدرتمند شدن ما، معادل تضعیف دشمن است. در این مسیر، چه دشمن در سکوت افول کند و چه در تلاشی بی‌ثمر برای جنگ افروزی خود را نابود سازد، نتیجه نهایی یکسان است: پیروزی متعلق به ملتی است که اراده کرده است قوی بماند، قوی‌تر شود و در قله بایستد.

ظرفیت صادرات گاز ایران به بازارهای تشنه همسایه

گروه سیاسی

کشور ایران به عنوان یکی از اصلی‌ترین دارندگان ذخایر گازی جهان همواره با چالش‌ها و فرصت‌های متعددی در حوزه دیپلماسی انرژی روبرو بوده است. در حالی که تقاضا برای گاز طبیعی در منطقه خاورمیانه و جنوب آسیا به دلیل رشد صنعتی و نیاز به تامین برق با سرعت فزاینده‌ای در حال افزایش است بسیاری از کشورهای همسایه با کمبود منابع داخلی یا چالش‌های تامین انرژی پایدار دست به گریبان هستند. این وضعیت تقاضای بالایی را در بازارهای ترکیه، عراق، پاکستان، عمان و هند ایجاد کرده که ایران می‌تواند با بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیکی و زیرساخت‌های موجود به عنوان تامین کننده اصلی بخشی از نیاز این کشورها ظاهر شود. اگرچه در سال‌های اخیر عواملی همچون تحریم‌های بین‌المللی و نیاز به سرمایه‌گذاری سنگین در توسعه میادین و خطوط لوله انتقال مانع از بهره‌برداری حداکثری از این فرصت‌ها شده است اما ضرورت‌های اقتصادی و نیاز میرم همسایگان به منابع پایدار همچنان به عنوان یک محرک اصلی عمل می‌کند. این گزارش به بررسی ابعاد مختلف تقاضای این بازارها و چشم‌انداز تعاملات ایران با آن‌ها می‌پردازد. درواقع موقعیت جغرافیایی ایران به گونه‌ای است که می‌تواند به عنوان پل انرژی میان منابع غنی داخلی و مراکز مصرف کلان در غرب و شرق عمل کند. این قابلیت در کنار نیازهای رو به رشد همسایگان به انرژی ارزان و قابل اعتماد یک فرصت استراتژیک را ایجاد کرده است که می‌تواند علاوه بر درآمدهای ارزی جایگاه سیاسی ایران را در معادلات جهانی نیز تقویت نماید. با توجه به افزایش تقاضای جهانی برای سوخت‌های پاک‌تر گاز طبیعی به عنوان سوخت گذار نقش پررنگ‌تری یافته و همین موضوع بر جذابیت بازارهای منطقه برای تامین کنندگان بزرگ افزوده است.

زیرساخت‌های صادراتی در کشاکش سیاست

به گزارش مهر، ترکیه به عنوان دروازه ورود انرژی ایران به اروپا و عراق به عنوان مشتری اصلی فعلی جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌های گازی دارند. در حالی که ترکیه به دنبال متنوع‌سازی منابع و تبدیل شدن به هاب گازی است عراق همچنان به گاز ایران برای نیروگاه‌های برق خود وابسته است. روابط ایران و ترکیه در حوزه گاز همواره ترکیبی از تعاملات تجاری پایدار و چانه‌زنی‌های قیمتی بوده است. برای ترکیه گاز ایران نه تنها برای مصارف خانگی بلکه برای تغذیه صنایع رو به رشد این کشور حیاتی است. از سوی دیگر عراق به دلیل زیرساخت‌های آسیب‌دیده از جنگ و نیاز فوری به برق برای جلوگیری از بحران‌های اجتماعی همواره نیازمند گاز ارزان و در دسترس ایران بوده است.

اگرچه تلاش‌هایی برای افزایش تولید گاز در عراق صورت گرفته اما شکاف میان عرضه و تقاضا در این کشور همچنان باقی است. ترکیه نیز با وجود دسترسی به خطوط لوله آذربایجان و روسیه و پایانه‌های ال‌ان‌جی همچنان به گاز ایران به عنوان یک منبع مکمل نگاه می‌کند. این دو کشور نشان داده‌اند که علی‌رغم فشارهای بیرونی امنیت انرژی خود را بر هر چیزی مقدم می‌شمارند. در این میان مدیریت بهینه خطوط لوله و تضمین پایداری جریان گاز می‌تواند ایران را از یک فروشنده عادی به شریکی غیرقابل جایگزین تبدیل کند. اهمیت این پیوندها در سال‌های سرد زمستان که تقاضای داخلی در ایران و همسایگان به اوج می‌رسد بیشتر نمایان می‌شود. بنابراین همکاری‌های گازی نه تنها یک معامله تجاری بلکه تضمینی برای پایداری سیاسی میان کشورهای همسایه است.

پروژه‌های معطل مانده در جنوب آسیا

خط لوله صلح میان ایران و پاکستان که سال‌هاست به دلیل فشارهای سیاسی و محدودیت‌های مالی متوقف مانده نمادی از پتانسیل‌های بلاتکلیف انرژی منطقه است. پاکستان با بحران کمبود انرژی روبرو است و هند نیز به دنبال افزایش سهم گاز در سبد انرژی خود است که این بازارها را تشنه کرده است. بازار شبه‌قاره هند با جمعیتی میلیاردی تشنه‌ترین بازار انرژی جهان در دهه‌های آینده خواهد بود. پروژه‌هایی مانند خط لوله صلح اگرچه در ابتدا با رویکرد اقتصادی طراحی شدند اما در پیچ‌وخم سیاست‌های قدرت‌های جهانی گرفتار آمدند. پاکستان به دلیل ناتوانی در تامین مالی و ترس از تحریم‌ها تاکنون نتوانسته بخش خود از خط لوله را تکمیل کند. با این حال نیاز پاکستان به انرژی چنان شدید است که مقامات این کشور بارها بر ضرورت تکمیل این پروژه تاکید کرده‌اند. هند نیز به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی در جهان اگرچه اکنون از طریق ال‌ان‌جی نیاز خود را تامین می‌کند اما خط لوله می‌تواند هزینه‌های تامین انرژی این کشور را به شکل قابل توجهی کاهش دهد. رقابت میان تامین‌کنندگان در این منطقه بسیار شدید است و روسیه و کشورهای خلیج فارس برای تصاحب سهم بازار در تلاشند. در این میان ایران تنها راه دسترسی زمینی امن و ارزان به این بازارهاست. اگر بتوان با دیپلماسی فعال موانع را کنار زد این مسیر می‌تواند تحولی بزرگ در اقتصاد ایران ایجاد کند.

ظرفیت‌های استراتژیک در خلیج فارس

عمان می‌تواند در مسیر صادرات گاز به عنوان یک نقطه استراتژیک عمل کند. توسعه خط لوله زیردریایی با این کشور علاوه بر رفع نیازهای داخلی عمان امکان بهره‌گیری از تاسیسات ال‌ان‌جی را برای صادرات به بازارهای جهانی فراهم می‌آورد که یک فرصت طلایی است. عمان به دلیل موقعیت جغرافیایی خود در دهانه خلیج فارس یک شریک ایده‌آل برای ایران در توسعه صادرات است. علاوه بر نیاز مستقیم عمان به گاز ایران این کشور دارای زیرساخت‌های پیشرفته برای مایع‌سازی گاز است. صادرات گاز ایران به عمان و تبدیل آن به ال‌ان‌جی می‌تواند ایران را از محدودیت‌های انتقال با خط لوله رها کرده و دسترسی به بازارهای دوردست آسیایی و حتی اروپایی را ممکن سازد. این همکاری می‌تواند الگویی برای سایر کشورهای حوزه خلیج فارس نیز باشد. البته موفقیت در این حوزه نیازمند فناوری‌های پیشرفته در ساخت خطوط لوله عمیق دریایی و جذب سرمایه‌های خارجی است. با این وجود مزیت رقابتی گاز ایران در مقایسه با سایر تامین‌کنندگان این پروژه را از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر می‌کند. عمان نیز با پذیرش این نقش می‌تواند به عنوان هاب جدید انرژی در جنوب خلیج فارس مطرح شود که این موضوع منافع دو کشور را به هم گره می‌زند. این استراتژی در صورت اجرایی می‌تواند بخش بزرگی از تحریم‌های صادراتی را خنثی کرده و مسیرهای نوینی برای تجارت انرژی باز کند. بازارهای گازی پیرامون ایران بیش از هر زمان دیگری تشنه تامین پایدار انرژی هستند. عراق با توجه به نیاز فوری به برق همچنان در صدر مشتریان قرار دارد و ترکیه نیز با وجود رقابت شدید همچنان بازاری استراتژیک محسوب می‌شود.

با این حال بهره‌برداری واقعی از ظرفیت‌های پاکستان هند و عمان نیازمند عبور از موانع دیپلماتیک و جلب سرمایه‌گذاری خارجی است. ایران برای تبدیل شدن به بازیگر اصلی در این عرصه باید علاوه بر بازسازی زیرساخت‌های فرسوده تولید در دیپلماسی انرژی خود نیز بازنگری جدی داشته باشد. تغییرات در معادلات منطقه و تمایل کشورها به کاهش هزینه‌های انرژی فرصتی طلایی برای تهران ایجاد کرده است که نباید نادیده گرفته شود.

اگر این تعاملات بر پایه قراردادهای بلندمدت و دورازتنش‌های سیاسی تنظیم شوند می‌توانند جریان پایدار ارزی برای کشور ایجاد کنند و جایگاه منطقه‌ای ایران را ارتقا دهند. آینده تجارت گازی منطقه نه تنها در گرو میزان تولید بلکه در گرو هنر دیپلماسی برای اتصال به این شبکه‌های مصرف است. در نهایت سرمایه‌گذاری هوشمندانه در پروژه‌های انتقال و بهره‌گیری از ظرفیت‌های ترانزیتی می‌تواند ایران را از یک صادرکننده سنتی به یک قطب اصلی در تجارت گاز آسیا تبدیل کند. این مسیر پرچالش اما سودآور را هی برای تضمین امنیت ملی و توسعه اقتصادی پایدار در دهه‌های پیش رو است که نیازمند عزم ملی و رویکردی واقع‌بینانه در سیاست خارجی است. در نهایت پایداری در این مسیر مستلزم آن است که ایران به عنوان یک تامین کننده قابل اعتماد شناخته شود. دستیابی به این جایگاه نیازمند تعهد به قراردادها و ارتقای توان تولید در میادین گازی پارس جنوبی و سایر میادین است تا نه تنها نیازهای داخلی بلکه صادرات نیز تامین شود. با همسویی سیاست‌های کلان اقتصادی و دیپلماسی انرژی ایران می‌تواند به عنوان قدرت اول گاز منطقه در جهان شناخته شود.

نکته

آنچه درباره توافق احتمالی ایران و آمریکا می‌دانیم

روند دیپلماسی در غرب آسیا ۴۸ ساعت نفس‌گیر و آغشته به ابهام را گذارنده و به نظر می‌رسد این ابهام حداقل تا چند ساعت آینده هم ادامه داشته باشد تا فرجام جنگ انتخابی «دونالد ترامپ» علیه ایران تا حد زیادی مشخص شود. تکاپوی چهل روزه میانجیگران پاکستانی و دیگر کشورهای منطقه برای جلوگیری از آغاز دوباره جنگ در منطقه ممکن است تا ساعات آینده به تفاهمی اولیه برای رسیدن به این هدف منجر شود اما این روند در تهران با بدبینی محسوس و متاثر از دو دور مذاکرات گذشته دنبال می‌شود. مقامات ایران همچنان با بدبینی به آنچه واشنگتن در سر دارد می‌نگرند و با همین ذهنیت بی‌اعتمادی اما با حسن نیت در گفت‌وگوها حاضر هستند. در آمریکا اما ترامپ برای عبور از شرایطی که در آن قرار دارد؛ بیش از گذشته نیازمند نمایشی از پیروزی است و این تقلای بی‌منطق روند تفاهم را دشوار نشان داده و حتی می‌تواند پاشنه آشیل آن تعریف شود.

تفاهم ارسالی از میدان مشق به کاخ سفید

به گزارش ایرنا، دستاورد ۲۴ ساعت حضور «عاصم منیر» فرمانده ارتش پاکستان در تهران، سندی از آخرین نسخه پیشنهادهای بررسی شده آمریکا و ایران بود. «اسماعیل بقائی» سخنگوی وزارت امور خارجه پس از پایان سفر منیر در گفت‌وگویی از نهایی سازی یادداشت تفاهم با آمریکا خبر داد. «رضا امیری مقدم» سفیر ایران در پاکستان هم پس از گفت‌وگو با وزیر کشور پاکستان در توییتی اعلام کرد که در صورت تعهد کافی طرف آمریکایی «گام مثبتی» در مورد توافق میان آمریکا و ایران در حال شکل گیری است.

«کاظم غریب‌آبادی» معاون حقوقی و بین‌الملل وزیر امور خارجه هم در توییتی ضمن اشاره به سالروز آزادسازی خرمشهر در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تصریح کرد: «امروز نیز ایران همان منطق را دنبال می‌کند؛ صلح‌طلبی همراه با قدرت، دیپلماسی همراه با عزت، و دفاع قاطع از تمامیت ارضی، استقلال و حقوق مردم و کشور عزیزمان ایران.»

در آمریکا، آن سوی این تفاهم احتمالی؛ به محض ارسال پیش‌نویس به کاخ سفید، تکاپو برای بررسی آن آغاز شد. نخستین گام هم ارزیابی دیدگاه کشورهای منطقه در این زمینه بود. ترامپ ساعاتی پس از دریافت این پیش‌نویس در گفت‌وگو با سی‌بی‌اس اعلام کرد که مذاکره‌کنندگان ایالات متحده و ایران به نهایی کردن توافق بین دو کشور «بسیار نزدیک‌تر» می‌شوند. وی همچنین در شبکه اجتماعی تراوث سوشال از گفت‌وگوی خود با ولیعهد عربستان، امیران امارات متحده عربی و قطر، پادشاهان اردن و بحرین، روسای جمهور مصر و ترکیه و فرمانده ارتش پاکستان خبر داد. رئیس جمهور آمریکا همچنین به گفت‌وگو خود با نخست وزیر رژیم اسرائیل هم اشاره و در نهایت نوشت: یک توافق تا حد زیادی مذاکره شده و نهایی شدن آن منوط به جمع‌بندی میان ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران و کشورهای مختلف دیگری است. جنبه‌ها و جزئیات نهایی توافق در حال حاضر در حال بررسی است و به زودی اعلام خواهد شد. علاوه بر بسیاری دیگر از عناصر این توافق، تنگه هرمز باز خواهد شد.

جزئیات تماس رئیس جمهور آمریکا با سران و مقامات کشورهای منطقه از سوی کاخ سفید منتشر نشده اما دیوان امیری قطر اعلام کرده است که امیر این کشور در گفت‌وگو با ترامپ بر اهمیت تشدید هماهنگی میان کشورهای مرتبط به منظور کمک به تقویت ثبات تاکید و اعلام کرد که دستیابی به راه حل‌های دیپلماتیک، بهترین راه برای مدیریت بحران‌ها است. با استناد به گزارش‌های منتشرشده در رسانه‌های آمریکایی، می‌توان به این نتیجه رسید که سران منطقه، ترامپ را از آغاز مجدد درگیری با تهران برحذر داشته و بر تداوم روند دیپلماتیک آغاز شده تاکید کرده‌اند. فرانسه و انگلیس هم از احتمال به نتیجه رسیدن مذاکرات میان ایران و آمریکا استقبال کردند.

نظرسنجی ترامپ از کشورهای منطقه درباره تفاهم با ایران شاید جبران رویه‌ای است که پیش از این با این دولت‌ها داشته زمانی که بی‌هیچ اطلاعی به آن‌ها، جنگی را آغاز می‌کرد یا پایان می‌داد. رویکرد کشورهای منطقه به این نظرخواهی ترامپ هم قابل تامل است از آن رو که برخی از پایتخت‌های منطقه پیش از این بر تداوم خصومت با تهران تاکید داشتند و رئیس جمهور آمریکا را به آغاز دوباره درگیری‌ها با تهران تشویق می‌کردند. واقعیت‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی در جهان اما گویی تراز هنوز به بلندپروازی، همسایگان ایران را به این نتیجه رسانده که تداوم آنچه در حال حاضر در جریان است نمی‌تواند در راستای منافع ملی آن‌ها باشد و آغاز هر نوع درگیری هم بسیاری از داشته‌های آنان را با تهدید جدی روبرو خواهد ساخت.

آنچه قطعا در تفاهم اولیه است و آنچه نیست

جزئیات تفاهمی که در ۲۴ ساعت گذشته در رسانه‌های مختلف بحث و گمانه‌زنی‌های بسیاری داشته، همچنان در محافل رسمی ایران و آمریکا بانوعی از ابهام پیگیری می‌شود؛ تا لحظه تنظیم این گزارش اطلاعات تایید شده شامل کلیات تفاهم است و نیز موضوعاتی که در این دور از مذاکرات درباره آن‌ها بحثی نخواهد شد.

خاتمه جنگ به شمول همه جبهه‌ها، پایان محاصره دریایی آمریکا و آغاز تردد در تنگه هرمز، آزاد شدن اموال بلوکه شده ایران، سه محور کلی است که درباره پیش‌نویس مورد اشاره به نقل از سخنگوی هیات مذاکراتی مورد تایید رسمی قرار گرفته است. بقائی این تفاهم اولیه را بر اساس پیشنهاد ۱۴ بندی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده که چندین بار میان طرفین رفت و برگشت داشته و قرار است ظرف یک مدت زمان معقول ۳۰ تا ۶۰ روزه، در خصوص جزئیات موضوعات گفت‌وگو شده و در نهایت به یک توافق نهایی رسیده شود.

در کنار این موارد تایید شده می‌توان محورهایی را هم مورد توجه قرارداد که به صورت قطعی می‌دانیم در این دور از مذاکرات در فهرست موضوعات مورد بحث نیست؛ پرونده هسته‌ای و جزئیات مباحث مرتبط با رفع تحریم‌ها در این دور از گفت‌وگوها به دلایل بسیاری امکان بررسی ندارند که مهمترین آن‌ها پیچیدگی این مباحث در کنار تجربه تلخ ایران از دو دور گفت‌وگو در این زمینه با آمریکاست که به درگیری نظامی ختم شد. ترجیح تهران بر این است که بتواند این دو پرونده را در بازه زمانی طولانی‌تر و در شرایطی پیش ببرد که سایه جنگ بر سر کشور نباشد.

از تفاهم اولیه تا توافق جامع؛ راهی طولانی و مانع بسیار

آنچه با احتمال نسبی تا ساعاتی آینده به عنوان تفاهم اولیه ایران و آمریکا قرار است از سوی اسلام‌آباد به عنوان میانجی مذاکرات اعلام شود؛ ابتدای راهی است که موانع بسیاری رسیدن به مقصد از طریق این راه را چندان در دسترس نشان نمی‌دهند و قطعی‌ترین گزاره پیش رو در حال حاضر این است که از تفاهم اولیه تا توافق جامع ایران و آمریکا فاصله بسیار است و کم کردن این فاصله هم جز با اراده سیاسی از سوی کاخ سفید در اعتمادسازی و ایستادن بر سر تفاهم‌ها و توافق‌ها ممکن نیست. این فاصله را عوامل بسیاری از بی‌اعتمادی تاریخی تهران به واشنگتن تا ماجراجویی‌های اسرائیل افزایش می‌دهد. حتی در همین مرحله تفاهم اولیه هم به تعبیر بقائی «تله ضدونقیض گویی طرف آمریکایی» امکان رسیدن به تفاهم و توافق را با چالش‌های جدی روبرو کرده و این تفاهم می‌تواند خیلی دور یا خیلی نزدیک باشد.

پیش از هرگزاره‌ای درباره هر نوع توافق میان ایران و آمریکا باید از «اگر» استفاده کرد و این احتیاط را رفتار واشنگتن به جهان و ایران تحمیل کرده است. بر این اساس «اگر» تفاهم اولیه موجود میان ایران و آمریکا تایید، قطعی و اعلام شود و «اگر» ایالات متحده بر سر امضای خود در این تفاهم بماند؛ می‌توان آغاز دوران تازه‌ای از گفت‌وگوها را تایید کرد. گفت‌وگوهایی که قرار است «اگر» آمریکا توانست رژیم اسرائیل از یک سو زیاده‌خواهی‌های خود از سوی دیگر را کنترل کند؛ به فرمولی برای حل وفصل گره‌های پرونده هسته‌ای ایران از یک سو و تحریم‌های ایران از سوی دیگر منجر شود.

آگهی ابلاغ مفاد آراء صادره از سوی هیات موضوع بند ۲ ماده ۱ قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن و ماده ۶ آئین نامه اجرایی آن مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک اسلامشهر

نظر به اینکه طبق آراء صادره با تسلیم اسنادی عادی و برابر تصرفات اشخاص ذیل اسامی متقاضیان که تصرفات آنها از پلاک اعلامی ذیل واقع در شهراحمدآباد مستوفی بخش ۱۲ تهران طبق بند (ج) ماده (۷) آیین نامه اجرایی قانون مذکور احراز گردیده ذیلا به استناد ماده ۱۰ آیین نامه اجرای قانون موصوف در یک نوبت آگهی می گردد تا چنانچه اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراض داشته باشد، از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ۲۰ روز اعتراض خود را به صورت مکتوب به اداره ثبت اسناد اسلامشهر تسلیم نمایند و ظرف مدت یک ماه از تاریخ اعتراض دادخواست خود را مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و رسید گواهی دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم نمایند بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در موعد مقرر یا عدم تحویل گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت اسناد و املاک در اجرای مفاد رای صادره مبادرت به صدور سند مالکیت مفروزی به نام متقاضیان خواهد شد.

ردیف	رای شماره	تاریخ رای	نام و نام خانوادگی	فرزند	کدملی	میزان سهم	شماره قطعه	مساحت	مفروز از
۱	۱۰۶۹	۱۴۰۵/۲/۸	شیرین حیدری جوزانی	صفر	۳۹۳۰۵۱۱۵۷۶	ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی	۱۹۹۵	۱۱۶/۲۱	۳۰

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۳/۴ — سجاد ایزدی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اسلامشهر

آگهی ابلاغ مفاد آراء صادره از سوی هیات موضوع بند ۲ ماده ۱ قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن و ماده ۶ آئین نامه اجرایی آن مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک اسلامشهر

نظر به اینکه طبق آراء صادره با تسلیم اسنادی عادی و برابر تصرفات اشخاص ذیل اسامی متقاضیان که تصرفات آنها از پلاک اعلامی ذیل واقع در شهراحمدآباد مستوفی بخش ۱۲ تهران طبق بند (ج) ماده (۷) آیین نامه اجرایی قانون مذکور احراز گردیده ذیلا به استناد ماده ۱۰ آیین نامه اجرای قانون موصوف در یک نوبت آگهی می گردد تا چنانچه اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراض داشته باشد، از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ۲۰ روز اعتراض خود را به صورت مکتوب به اداره ثبت اسناد اسلامشهر تسلیم نمایند و ظرف مدت یک ماه از تاریخ اعتراض دادخواست خود را مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و رسید گواهی دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم نمایند بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در موعد مقرر یا عدم تحویل گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت اسناد و املاک در اجرای مفاد رای صادره مبادرت به صدور سند مالکیت مفروزی به نام متقاضیان خواهد شد.

ردیف	رای شماره	تاریخ رای	نام و نام خانوادگی	فرزند	کدملی	میزان سهم	شماره قطعه	مساحت	مفروز از
۱	۱۰۶۴	۱۴۰۵/۲/۸	جهانبخش هوشمندی حیدرپور	غلام	۳۹۹۲۱۰۴۷۱۰	ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی	۲۳۴	۹۷/۸۵	۳۰

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۳/۴ — سجاد ایزدی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اسلامشهر

آگهی ابلاغ مفاد آراء صادره از سوی هیات موضوع بند ۲ ماده ۱ قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن و ماده ۶ آئین نامه اجرایی آن مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک اسلامشهر

نظر به اینکه طبق آراء صادره با تسلیم اسنادی عادی و برابر تصرفات اشخاص ذیل اسامی متقاضیان که تصرفات آنها از پلاک اعلامی ذیل واقع در شهراحمدآباد مستوفی بخش ۱۲ تهران طبق بند (ج) ماده (۷) آیین نامه اجرایی قانون مذکور احراز گردیده ذیلا به استناد ماده ۱۰ آیین نامه اجرای قانون موصوف در یک نوبت آگهی می گردد تا چنانچه اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراض داشته باشد، از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ۲۰ روز اعتراض خود را به صورت مکتوب به اداره ثبت اسناد اسلامشهر تسلیم نمایند و ظرف مدت یک ماه از تاریخ اعتراض دادخواست خود را مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و رسید گواهی دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم نمایند بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در موعد مقرر یا عدم تحویل گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت اسناد و املاک در اجرای مفاد رای صادره مبادرت به صدور سند مالکیت مفروزی به نام متقاضیان خواهد شد.

| ردیف | رای شماره | تاریخ رای | نام و نام خانوادگی | فرزند | کدملی | میزان سهم | شماره قطعه | مسا